

## ( J. Wellhausen نوشته Das Arabische Reich und seine Sturz )

لشکریانی که پیروزمندانه از جنگهای « رده » بازگشته بودند پیوسته خواهان غنایم بیشتری بودند، و ابوبکر از این بابت با مشکلی مواجه بود که اساس قدرت او را مورد تهدید قرار میداد. تنش در عربستان به اوج خود رسیده بود، و تردیدی نبود که که اگر خلیفه از لژیونهای پیروز خویش میخواست که سلاحهایشان را کنار گذارند و به مشاغل پیشین خود بازگردند خود را با خطر زدوخوردهای شدید داخلی روبرو میساخت، زیرا بیش از نیمی از افراد خلافت اسلامی او در آن هنگام از قبایلی تشکیل میشدند که هنوز سرپایشان از جنگهای رده خونین بود، و سنگینی یوغ حکمفرمایی فاتحان را در گرماگرم دوران شکست عمیقاً احساس میکردند.

فرستادن این عناصر خطرناک به بیرون از مرزهای شبه جزیره عربستان و مشغول داشتن آنان به تلاشی که انتظار میرفت هم آسان و هم پربرکت باشد و بخصوص غنایم بسیار نصیبشان کند، و از این راه احساس تحقیر ناشی از شکست را از یادشان ببرد، بهترین راه حلی بود که در برابر خلیفه قرار داشت. نتیجه این شد که هم مسلمانان قدیمی و هم نو مسلمانان مصلحتی، صرفاً به دلایلی سیاسی و اقتصادی عقده ها و خرده حسابهای دیرینه خود با یکدیگر را کنار گذاشتند و با کشش مقاومت ناپذیر جنگ و غارت به همدیگر پیوستند. قبول اسلام از جانب این نورسیدگان مطلقاً گرایشی مذهبی به مفهوم سنتی آن نبود، توافقی « نظامی - سیاسی » در راه اجرای برنامه غنیمت گیری بود.

بن مایه :

پس از هزار و چهارصد سال

دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:  
شاهین کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>  
<https://the-derafsh-kavivani.com/>